مجله زبانشناسی و گویش های خراسان ، سال یازدهم ، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۲۰

Doi: 10.22067/lj.v10i18.69434

نگرشی نقشی-رده‌شناختی به کارکرد ساخت‌های کامل در زبان فارسی

منصور رحیمی فر[1] (دانشجوی دکتری زبانشناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)
والی رضایی[2] (دانشیار زبانشناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)
رضوان متولیان[3] (استادیار زبانشناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

صص: ۱۳۹-۱۱۱

چکیده

ساخت‌های کامل در زبان فارسی، از مقوله‌های دستوری بحث برانگیز و دارای پیچیدگی از جنبه صوری و معنایی است. علت این پیچیدگی را باید در این ویژگی جستجو نماییم که از یک سو با گذشته و از سوی دیگر با زمان حال پیوند دارد. هم گذشته و هم کامل در پیوند با رویدادی به کار می‌روند که پیش از هنگام گفتار رخ داده‌اند، هر چند در مورد ساخت کامل، بر خلاف گذشته، نقطه زمانی ویژه‌ای مد نظر نیست. ساخت کامل می‌تواند به همه بازه زمانی رخدادی که ما از آن گفتگو می‌کنیم یا به هر بخشی از آن پیوند داشته باشد. افزون بر این، پیوند رویداد با نقطه ارجاع وابستگی ساخت کامل را با زمان حال نمایش می‌دهد که در مورد گذشته نقلی، همان زمان گفتار یا «پیوند با اکنون» است. از سوی دیگر پیوند ساخت‌های کامل با نمود و زمان دستوری نیز به پیچیدگی آنها می‌افزاید. در این تحقیق به دو نوع ساخت کامل گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری می پردازیم. بر این پایه، انگیزه نگارش این نوشتار فراهم آوردن تبیینی از کارکردهای گوناگون این دو ساخت در زبان فارسی امروز است به ویژه این که فراوانی کاربرد آنها نسبت به سایر ساخت‌ها گسترده‌تر است. در این نوشتار، که داده‌های آن بیشتر از زبان گفتاری معاصر و از محتوای سریال‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، گفتگوهای خبری، روزنامه‌ها، گاهنامه‌ها، پیکره زبانی بیجن خان و نیز در برخی زمینه‌ها برای پشتیبانی از پیشنهادها، از نثر گذشته فارسی نیز فراهم آمده است، با تحلیلی نقش‌گرایانه از ساخت‌های یادشده در چهارچوب رویکرد نقشی-رده‌شناختی دریافتیم که بارزترین کارکردهای گذشته نقلی

تاریخ دریافت : ۱۳۹۶/۰۹/۲۳ تاریخ پذیرش : ۱۳۹۶/۱۲/۱۳

پست الکترونیکی: 1 mansourrahimifar@gmail.com 2. vali.rezai@fgn.ui.ac.ir 3. r.motavallian@fgn.ui.ac.ir

آگـاهی‌هـای غیر مســتقیم، فراکنش زمـانی، کـارکرد تجربی، خبر داغ، کـارکرد جهـانی و شــگفت‌نمایی هســتند و گواه‌نمایی و اسـتمرار رویداد از مهمترین کارکردهای گذشته نقلی اسـتمراری به شـمار می‌رود. افزون بر این دو سـاخت یاد شده هم‌زمان در بر دارنده مفهوم زمان و نمود هستند.

کلیدواژه‌ها: ساخت‌های کامل، رویکرد نقشی‌رده‌-شناختی، کارکرد، زمان، نمود.

۱- مقدمه

این پژوهش کوشــشــی اســت که در راستای شناساندن ویژگی‌ها و کارکردهای ساخت‌های گذشـــته نقلی و گذشـــته نقلی اســتمراری در چهارچوب رویکرد نقشـــی-رده‌شـــناختی انجام می‌پذیرد. وجه اشـتراک این سـاخت‌ها سـازه صفت مفعولی به همراه یکی از صورت‌های فعل کمکی «بودن» اسـت و معادل کامل[1] در انگلیسـی هسـتند. در دسـتورهای سنتی و پژوهش‌های زبانشـناختی ساخت‌های کامل به گونه‌ای فراگیر مورد پژوهش قرار نگرفته است و همه زوایا و جوانـب مجهول آنهـا واکـاوی نگردیـده اســت. بنابراین، این پژوهش در همین راســتا انجام می‌پذیرد. انجام این پژوهش در گســتره نمود و بررســی کارکردها و ویژگی‌های ســاخت‌های کامل، از این جهت دارای ارزش و اهمیت است که نمود کامل در پدید آوردن گفتمان ارزشمند و ارزیابی آن نقش بنیادین دارد و در همان حال موضـوعی تازه و درخور توجه در زبان‌شناسی بـه شـــمار می‌رود. بر این پایه، نوشـــتار کنونی، کارکردهای گوناگون ســـاخت‌های کامل و ویژگی‌های آنها را در زبان فارسـی بررسـی می‌نماید به ویژه به این دلیل که فراوانی کاربرد آنها از سـاخت‌های دیگر بیشتر است. برای رسیدن به این هدف، از آنجا که در چهارچوب رویکرد نقش‌گرایی، داده‌های عینی در بافت واقعی، ملاک و معیار یک بررســی زبانی به شــمار می‌رود، داده‌های این نوشـتار بیشـتر از گفتگوهای روزانه مانند گفتارهای فیلم‌های سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، گفتگوهای خبری، مناظره‌ها، سـخنرانی‌ها، و گفتگوهای مردم در بافت‌های گوناگون و نیز از روزنـامـه‌هـا، مجله‌ها، پیکره بیجن‌خان و به اندازه اندک، از منابع نوشـــتاری گذشـــته گردآوری شده است. با نگرش به این که مقوله کامل با نحو، معنی‌شناسی، زبان‌شناسی شناختی، و تجزیه و تحلیل کلام پیوند دارد، این نوشـــتار زمینه را برای پژوهش‌های آینده رده‌شـــناختی و روشـــن شـــدن این وابســـتگی برای پژوهشـــگران زبان هموار می‌ســـازد. بنابراین، پس از تبیین

1. Perfect

ویژگی‌های نمود کامل از دیدگاه دستوری و واژگانی و وابستگی آن با مقوله زمان‌دستوری و زمان‌تقویمی، با آوردن نشانه‌های صوری، معناشناختی و دلیل‌های کاربردشناختی دیگر به دنبال تبیین کارکردهای بارز این ساخت‌ها و پیوند آنها با زمان حال و گذشته هستیم و گرایش نمودی و زمانی آنها را بررسی می‌نماییم. بر این اساس، سوالات اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

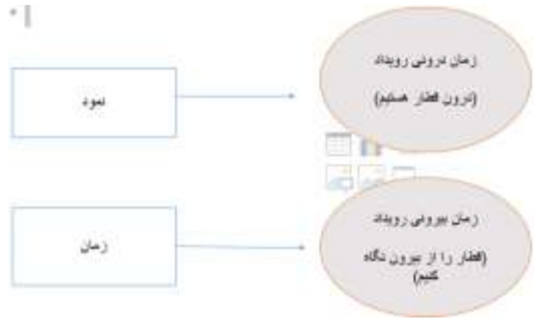
– ساخت‌های گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری در زبان فارسی چه کارکردهایی دارند؟
– این ساخت ها چه ارتباطی با زمان و نمود دارند؟

۲- پیشینه

بررسی پیشینه این پژوهش پیرامون کارکردهای ساخت‌های کامل و نیز شیوه تعامل آنها با زمان‌دستوری از یک سو و مقوله نمود در زبان‌فارسی امروز از سوی دیگر، نشان می‌دهد اگرچه به شیوه پراکنده و غیر منسجم پژوهش‌هایی پیرامون این موضوع در زبان‌فارسی انجام گرفته است، کانون آنها بیشتر بر زمان دستوری و وجهیت بوده است و تبیین زبانشناختی کارکردهای گوناگون آنها و پیوندشان با مقوله نمود و زمان دستوری پژوهش دربرگیرنده‌ای انجام نگرفته است.

از هنگامی که به مقوله نمود زیر نام پدیده‌ای متفاوت از "زمان‌دستوری" از سوی زبان‌شناسان پرداخته شد، پژوهش‌های گوناگونی در پیوند با آن انجام شده است. اَلِن (۱۹٦٦: ۲۱۹) نمود را «بیان صوری نگرش ذهنی گوینده نسبت به یک رویداد در دنیای واقعی می‌داند.» رویکرد وی در وابستگی نمود با دستگاه فعلی زبان‌انگلیسی پیوند یک به یک میان ساخت و معنا، و تعامل بنیادین میان نمود تام و ناقص است. کامری (۱۹۷٦: ۳)، که از پیشگامان پژوهش در مورد نمود است و این پژوهش توجه ویژه به دیدگاه او در پیوند با نمود کامل دارد، نمود را «شیوه نگرش به ساختار درونی زمان در یک موقعیت» می‌داند. به سخن دیگر نمود به نوعی احساس سخنگویان از ساختار زمانی یک رخداد تعریف می‌شود. از سود دیگر، هنگامی‌که سخن از زمان‌دستوری به میان می‌آید، زبان‌شناسان به گونه‌ای قیاس زمان برحسب فضا یا خطِ زمان پافشاری می‌نمایند. خطِ زمان خطی است که از دو طرف نامحدود است و به سه بخش گذشته، حال و آینده تقسیم می‌گردد. نقطه‌های واقع بر خط زمان شاید با رویدادها هم‌زمان شوند یا جدا از آنها دریافت گردند. آن‌گونه که لاینز (۱۹۷۷: ٦۸۲) بیان نموده است

«زمان‌دستوری یک مقوله "اشاره‌ای" به‌شمار می‌رود. این بدان معنا است که زمان‌دستوری در باره جایگاه یک پدیده، به ما آگاهی‌رسانی می‌نماید. ایشان یک تعامل سه‌گانه گذشته، حال و آینده را برای زمان پیشنهاد می‌نماید و بر این باور است که این تعامل همچنان پابرجا و یک ویژگی جهانی زبان است. برای بازشناسی نمود از زمان، شکل زیر می‌تواند گویا باشد. اگر گمان کنیم که داخل قطار باشیم و حرکت آن را در نظر بگیریم، و یا از بیرون نظاره‌گر حرکت قطار باشیم:



شکل ۱. بازشناسی نمود از زمان

کمیجانی (۱۹۹۰: ۷۱) رویکرد رایشن‌باخ (۱۹۴۷) را در پیوند با زمان‌دستوری پیشنهاد می‌کند که بر پایه آن سه نقطه زمان رویداد[1]، زمان گفتار[2] و زمان ارجاع[3]، برای تعریف زمان‌دستوری باید نگریسته شوند. تعامل این سه نقطه درباره گذشته نقلی به شرح زیر است: E< S=R یعنی زمان گفتار و ارجاع بر هم همپوشانی دارند و رخ دادن رویداد پیش از زمان ارجاع و زمان گفتار است. نمودار زیر خط زمان و نقطه‌های روی آن را نشان می‌دهد:



شکل۲. نمودار چگونگی وابستگی زمان گفتار، زمان ارجاع و زمان رویداد در خط زمان

1. Event time (E)
2. Speech time (S)
3. Reference time (R)

بـا این گفتـار، تفاوت میان دو جمله ۱ و ۲ از نوع زمان، وتفاوت میان جمله‌های ۳ و ٤ از نوع نمود است اگرچه در دستور سنتی تفاوت آنها را در زمان می‌پندارند:

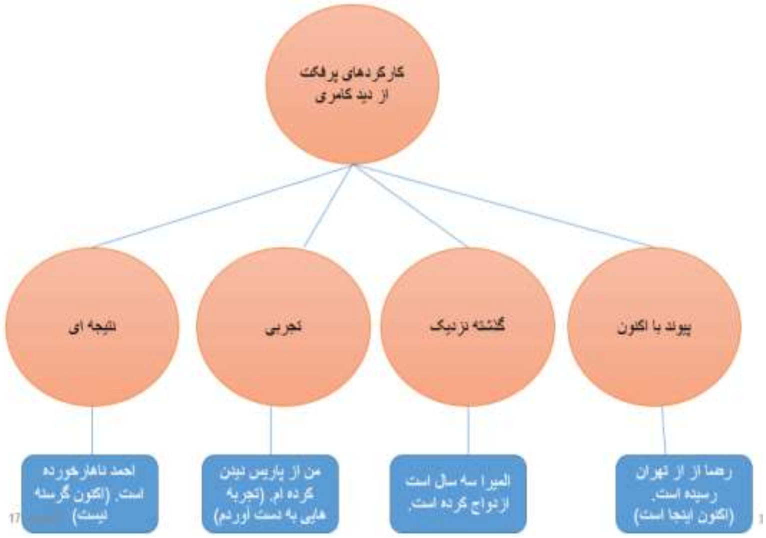
۱. علی دارد نامه می‌نویسد.

۲. علی داشت نامه می‌نوشت.

۳. علی نامه نوشت.

٤. علی داشت نامه می‌نوشت.

کامری (۱۹۷٦: ٥٦) چهار ویژگی برای ســاخت کامل قائل شــده اســت که ما آنها را در نموداری به صورت زیر نمایش می‌دهیم.



شکل ۳. کارکردهای ساخت کامل

دسـتور نویسـان و زبانشـناسـان ایرانی نیز در پیوند با ساخت‌های کامل پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. ناتل خانلری (۱۳٦۹: ۲٥۱) درباره گذشـته نقلی بر این باور است که به حکم ساختمان آن واسـطه میان گذشته و حال است. یعنی به حکم صفت مفعولی بر گذشته دلالت می‌کند و به حکم بخش دوم که معنی آن برابر فعل «بودن» در زمان حال اســت، مضــارع به شــمار می‌آید. بنابراین بر فعلی دلالت می‌کند که در زمان گذشــته روی داده و دنباله یا نشــانه آن تا زمان حال باقی مانده اســت. شــریعت (۱۳٦۷: ۱٥۰) ادعا می‌نماید که در گذشــته نقلی گاهی فعل معنی

ثبوت و گاهی معنی حدوث دارد. به باور وی ثبوت کاری است که هنوز کاملاً نگذشته باشد و حدوث رویدادی است که کاملاً گذشته باشد. از آنچه ایشان درباره گذشته نقلی آورده است چنین برمی‌آید که دو کارکرد "تجربی " و "وابستگی با حال" برای این ساخت متصور است، اگرچه ایشان از این اصطلاحات زبانشناختی استفاده نکرده است. افزون بر این، وی به کارکردهای دیگر آن مانند کارکرد «گواه‌نمایی» اشاره‌ای نمی‌کند. احمدی گیوی (۱۳۸٤) نیز دست کم سه کارکرد بیان تردید، بیان تعلیل و استمرار رویداد را برای گذشته نقلی استمراری بیان نموده است. انوری و گیوی (۱۳۹۰) یکی از کارکردهای گذشته نقلی را برای پیشامدی که قرار است در آینده رخ دهد بیان نموده‌اند و نمونه زیر را به عنوان گواه می‌آورند:

۵. سعید به مسافرت رفته و هنوز برنگشته.

کلباسی (۱۳۸۳) در پژوهش خود گذشته نقلی را در ٦۰ زبان ایرانی بررسی نموده و ۳۱ ساخت گوناگون از این مقوله را شناسایی نموده است. شُکری (۱۳۷۸) نیز گذشته نقلی را در گونه‌های استان مازندران بررسی نموده و گونه‌ای گذشته نقلی با فعل‌های متعدی را شناسایی نموده است. پژوهش دیگر در این بخش از غیوری و رضایتی (۱۳۹۱) است که در آن سه گونه ساخت گذشته نقلی را در شاهنامه شناسایی نموده‌اند. رضایی (۱۳۹۱) نمود استمراری را بررسی نموده است و بر این باور است که پیشوند فعلی "می"به تنهایی نمی‌تواند نشانه استمرار باشد. دستورنویسانی مانند شفایی (۱۳٦۳)، شکری (۱۳۸۳) و خیام‌پور (۱۳۸٤) و زبانشناسانی همچون قریب (۱۳۸٤)، مجیدی (۱۳۸۸)، دستلان و همکاران (۱۳۹۵)، محمودی بختیاری (۲۰۰۲)، دوهان (۲۰۱۲) و برخی دیگر نیز در پیوند با زمان دستوری، نمود و ساخت‌های کامل پژوهش‌هایی با دستاوردهای کمابیش مشابه انجام داده‌اند.

۳- چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش رویکرد نقشی-رده‌شناختی است که یکی از رویکردهای برجسته در زبان‌شناسی امروز به‌شمار می‌رود و دربردارنده دیدگاه‌هایی است که نگرش‌ها و انگیزش‌های رده‌شناختی را بررسی می‌نماید. در این رویکرد ساخت زبان بر پایه نقش آن تبیین می‌گردد. به عبارت دیگر، برجسته‌ترین اصل در این رویکرد آن است که هدف بنیادین زبان، «ارتباط» میان انسان‌ها است و این نقش شکل دهنده ساخت‌هایی است که زبان‌ها به خود می‌گیرند. ادعای دیدگاه‌های نقش‌گرایی این است که چون زبان از پایه، یک ابزار به‌شمار

می‌رود، خردمندانه است بیندیشیم ساختارهای زبان با اشاره به نقش‌هایی که می‌پذیرند، به بهترین شیوه تحلیل‌پذیر هستند. نقش‌گرایی و رده‌شناسی وابستگی نزدیکی با یکدیگر دارند و تا اندازه‌ای در برابر رویکردهای ساخت‌گرایی قرار می‌گیرند که دستگاه قاعده‌های صوری زبان را بنیان تعریف بخش‌های گوناگون زبانی و شیوه وابستگی آنها با یکدیگر قلمداد می‌نمایند. به سخن دیگر، نگرش رویکردهای نقش‌گرایی، شیوه کاربرد واقعی زبان در بافت‌های ارتباطی است نه این که تنها به پیوندهای صوری میان عنصرهای زبانی نگریسته شود. به باور کرافت (۲۰۰۳: ۲۸٤) رویکرد نقشی-رده‌شناختی با فراگیرنمایی‌های بیرونی روساخت مانند جهانی‌های تلویحی آغاز می‌شود و با شتاب به سوی مفهوم‌های پنداشتی‌تر همانند تسلط، سلسله مراتب‌ها، سرنمون‌ها، تصویرگونگی و دستوری‌شدگی پیش می‌رود. وی پیوند رده‌شناسی و جهانی‌های زبان را گوشزد می‌نماید و می‌افزاید رده‌شناسی به یافتن جهانی‌های زبان و جهانی‌های زبان به رده‌شناسی یاری می‌رسانند. نقش‌گرایان و رده‌شناسان در تبیین دیدگاه‌های خود به عامل‌هایی همچون «تفاوت‌ها و شباهت‌ها، همگانی‌های زبان، جهانی‌های تلویحی، انگیزه‌های رقابت، نمونه‌برداری زبان‌ها، تصویرگونگی، پردازش، گفتمان و بافت زبان» می‌اندیشند. گیوُن (۲۰۰۱: ۲۹۳)، یک فرضیه بنیادین نقش‌گرا را واقعیتی می پندارد که زبان و دستور به عنوان یک دستگاه جداگانه نه تبیین می‌شود و نه توضیح داده می‌شود. او ساخت‌های کامل را پیچیده ترین و ظریف‌ترین مقوله‌ها در دستور برمی‌شمارد. این زبان‌شناس ساخت زبان را بازتاب مستقیم نیازهای ارتباطی بشر می‌داند. با نگرش به این که هر رویکرد واکاوی خود را بر پایه بازگویی یا تبیین بنا می‌نَهد، وی پیشنهاد می‌نماید که هر تبیین نیازمند ارجاع به یک یا چند پارامتر طبیعی توضیحی، محتوای جمله‌ای، کاربردشناسی گفتار، پردازش، ساختارشناسی، کاربردشناسی، جهان‌بینی و مانند آن می‌باشد که آنها را «تبیین‌های بیرونی» نام‌گذاری می‌نامند. او که ساخت‌های کامل را برای رویدادی قلمداد می‌نماید که یا پیش از نقطه ارجاع زمانی رخ‌داده است و یا دست کم پیش از این نقطه زمانی آغاز گردیده‌اند، برای آنها چهار ویژگی پیش‌گامی، خاتمه، غیرمتوالی‌بودن و وابستگی‌معوق قائل می‌باشد که مجموع آنها در یک ساخت، طبیعی و کمابیش فراگیر است اگرچه به هیچ‌روی همگانی به شمار نمی‌روند. در پیوند با ساخت کامل، کیپارسکی (۲۰۰۲: ۱) نیز پنج خوانش تجربی، جهانی، نتیجه‌ای، حال ایستایی[1]

1. Stative present

و خوانش گذشته اخیر یا خبر داغ را به شیوه موازی برای این مقوله پیشنهاد نموده است. بر این پایه، نقشگرایان زبان را از دیدگاه کاربرد آن در موقعیت‌های گوناگون می‌نگرند و به معنای‌انتقال‌یافته در بافت‌های گوناگون تمرکز می‌نمایند. (همان: ۲۹۳–۲۹۷). این پژوهش از دیدگاه‌های زبان‌شناسانی همچون کامری (۱۹۷٦) و (۱۹۸۹) ، بای‌بی و همکاران (۱۹۹٤)، گیون (۲۰۰۱)، کیپارسکی (۲۰۰۲)، آیخن‌والد (۲۰۰٤)، دوهان (۲۰۱۱)، کرافت (۲۰۱۲) و هادلستون (۲۰۱۲و ۱۹۸٤) استفاده شده است.

٤- روش‌شناسی

این پژوهش از گونه توصیفی-تحلیلی به شمار می‌رود و با یاری جستن از شیوه تحلیل محتوا انجام می‌پذیرد که در آن بررسی بر روی ساخت‌های کامل زبان فارسی معیار، گونه گفتاری انجام می‌گیرد. در تحلیل محتوا جهت بررسی ساخت‌های کامل گذشته نقلی و گذشته نقلی استمراری از چهار معیار صوری، آوایی، معنایی و کاربردشناختی بهره می‌بریم و این معیارها را در پیوند با هرکدام از ساخت‌های یاد شده می‌آزماییم تا همسانی یا تفاوت آنها را با یافته‌های سایر پژوهش‌گران در زمینه ساخت‌های کامل بسنجیم. برای دستیابی به این فرجام، داده‌های زبانی دربرگیرنده ده‌ها فیلم سینمایی، سریال‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها، گفتگوهای خبری یا چند نفره در محیط‌های واقعی، بهره‌گیری از پیکره بیجن‌خان، گاه‌نامه‌ها و تارنماها گردآوری شده است. افزون بر این، گاه بنا به نیاز برای روشن نمودن کاربرد ویژه از ساخت‌های کامل ناگزیر شدیم از برخی رمان‌ها، نوشته‌های پیشینیان و شم زبانی نیز بهره‌گیریم. بدین منظور شواهد زبانی مشمول ساخت‌های یاد شده از منابع بالا با درنظرداشت بافت گفتاری، استخراج و کارکردهای آنها به گونه‌ای جداگانه شناسایی گردید. افزون بر این، تا جایی که امکان‌پذیر بود، کاربردهای عینی فارسی زبانان از ساخت‌های کامل در موقعیت‌های گوناگون طبیعی برای تحلیل و نتیجه‌گیری دقیق‌تر مورد استفاده قرار گرفت.

۵- تجزیه و تحلیل و بررسی داده‌ها

این بخش را با یاری جستن از معیارهای زبانشناختی صوری، آوایی، معنایی، درزمانی و نقشی با معرفی و کارکردهای گذشته نقلی آغاز می‌نماییم، آنگاه ویژگی‌ها و کارکردهای گذشته

نقلی اسـتمراری را بیان می‌نماییم. همچنین پیوند میان زمان گذشـته و حال را با این دو ساخت بررسی نموده گرایش زمانی و نمودی آن دو را بررسی می‌نماییم.

۵-۱- گذشته نقلی

این عبارت از دو بخش تشـکیل یافته اسـت: "گذشته" و "نقلی". گذشته به معنی "پیشین" و منظور رویدادی اسـت که در گذشـته رخ داده اسـت و "نقلی"، دسـت کم به دو معنا است: نخسـت از گزارش یک رویداد و دیگر از انتقال پیامد آن عمل تا هنگام گفتار حکایت دارد. در معنای نخسـت آگاهی غیر مسـتقیم و در معنای دوم پیوند رویداد با اکنون آشـکار می‌شـود. تعریف‌هایی که در دسـتورهای سـنتی برای این گونه «گذشـته» داده می‌شـود آن اندازه بازتاب دهنده حقیقت نیسـت. همسـو با آنچه شـفایی (۱۳٦۳) در باره این سـاخت گفته است، گذشته نقلی را می‌توانیم ساختی آمیخته از زمان حال با یک گذشته در درون خود بپذیریم. برای روشن نمودن این گفتار باید معنی بنیادین گونه گذشـته نقلی را با نگرش به بخش‌های سـازنده آن آشکار نماییم. گونه نقلی گذشته فارسی از به هم پیوستن یک صفت مفعولی (وابسته به گذشته) و فعل کمکی در شـکل کوتاه شده آن (پیوند با اکنون) ساخته شده است. این پیوستگی گویای دو نقطه زمانی گذشته و حال است و بی گمان باید خود گونه یاد شده نیز این ویژگی را داشته باشـد. ساخت گذشته‌نقلی نماینده رویدادی است که در گذشته انجام شده (یا گاهی آغاز شده) و آن رویداد در سـاخت صـفت مفعولی نمایان می‌شـود. به سـخن دیگر، ویژگی برجسـته این سـاخت پیوندی اسـت که میان رویداد رخ‌داده در گذشـته و زمان گفتار به چشـم می‌خورد که بیشتر زبانشناسانی که از آنها در بخش چهارچوب نظری یاد نمودیم، از این ویژگی با نام «پیوند با اکنون» یاد می‌نمایند. این ویژگی در باره سـاخت کامل هنگامی معنا پیدا می‌کند که با ساخت دیگری مانند گذشـته ساده مقایسه گردد. کمابیش تمام زبانشناسان ایرانی و غیرایرانی که درباره سـاخـت‌هـای کـامـل پژوهش انجـام داده‌اند، در این نکته توافق دارند که یکی از کارکردهای سـاخت گذشته نقلی پیوند رخداد گذشته نهفته در صورت فعلی با زمان گفتار است. براین پایه اگر دو نمونه زیر را در نظر بگیریم:

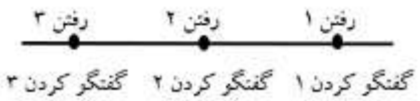
٦. علی به کتابخانه رفته است.

۷. علی به کتابخانه رفت.

یکی از دریافت‌هایی که از جمله ٦ آشــکار می‌گردد این اســـت که تا هنگام گفتار، علی در کتابخانه اســت، هرچند در جمله ۷ چنین دیدگاهی را نمی‌توان با قاطعیت بیان نمود. به ســخن دیگر از ویژگی پیوند با اکنون ساخت گذشـته‌نقلی جمله ٦ چنین دریافت می‌گردد که حضور علی در کتابخانه هنوز یک واقعیت است. در حقیقت رخداد و پیامد آن با هم آمیخته می‌شوند. افزون بر این، باید به این نکته اشــاره کنیم که نتیجه بدســت آمده از صــورت کامل از معنی یا ویژگی‌های نمود واژگانی فعل و یا از بافت یا از هردو سـرچشـمه می‌گیرد و بنابراین انتصــاب نقش نتیجه‌ای تنها به صـورت فعل بی آنکه به نوع و بافت آن توجه داشته باشیم، چندان سخن درسـتی نیست. از سوی دیگر این آمیختگی گاه به پیچیدگی می‌انجامد. برای روشن شدن دلیل پیچیدگی گذشته نقلی جمله زیر را نمونه می‌آوریم:

۸. هربار به این کلاس رفتم (رفته‌ام)، این دو دانشجو با هم گفتگو می‌کرده‌اند.

این رخـداد از گـذشـــته آغاز گشـــته اســـت و من هر بار آنها را دیده‌ام آنها همین کار را می‌کرده‌اند. این رویداد همه بازه زمانی را در بر می‌گیرد، هرچند شاید دوره‌های زمانی جداگانه را هم دربرداشـته باشد. در دوره‌های زمانی جداگانه، ممکن است نقطه‌های مرزی زمانی، با هم همپوشــانی داشـته باشند. نمودار زیر که الهام گرفته از مک‌کورد (۱۹۷۸) است، به خوبی مفهوم بالا را آشکار می‌سازد:



شکل ٤. نمایش شمار رخدادها در بازه زمانی با ساخت گذشته نقلی

همــه رویدادهایی که در گذشـــته رخ داده‌اند، به گونه‌ای با اکنون پیوند دارند، چه از هنگام رخداد آنها زمان کمی گذشـته باشـد، چه در بازه زمانی بسیار زیاد از زمان حال رخ داده باشند. تردیدی نیست که چنانچه شخصی بخواهد بگوید که اتومبیلی خریده است به ویژه اگر اتومبیل جدیدی خریده باشــد از صــورت کامل اسـتفاده می‌کند، زیرا «اتومبیل نو» خود نشانه‌ای بر این دیـدگاه اســـت که او هنوز آن اتومبیل را در مالکیت دارد و این رویداد، گذشـــته اخیر قلمداد می‌گردد؛ هرچند اگر منظور او گذشـته نزدیک نباشد، صورت گذشته ساده به کار می‌برد. با این

همه، ما در باره رویدادی که بسـیار دورتر از اکنون هم رخ داده است، می‌توانیم گذشته نقلی به کار بریم، مانند هنگامی که می‌گوییم:

۹. فردوسی شاهنامه را بیش از هزار سال پیش سروده است.

افزون بر این، رویکرد «پیوند با اکنون» که ویژگی گذشــته نقلی به شــمار می‌رود نمی‌تواند تنها به این سـاخت محدود شود، زیرا چه بسا رویدادهایی وجود دارند که هرچند گذشته نقلی نیستند، ویژگی «پیوند با اکنون» در آنها آشکار است. برای نمونه جنگ ایران و عراق که بیش از سه دهه پیش رخ داد و در سال ۱۳٦۷ به پایان رسید، هرچند همه می‌پذیرند که سال‌های زیادی اسـت که از سپری شدن این رخداد می‌گذرد، ولی مردم ایران همچنان با پیامدهای آن دست به گریبان هسـتند، با این وجود ما معمولا جمله ۱۰ را به‌کار نمی‌بریم بلکه از شـماره ۱۱ اسـتفاده می‌کنیم:

۱۰. جنگی که در سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳٦۷ به وقوع پیوسته است.

۱۱. جنگی که در سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳٦۷ به وقع پیوست.

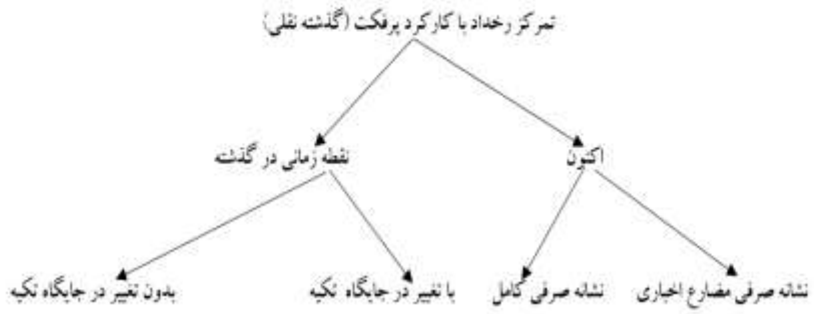
به‌کارگیری زمان‌های ویژه تا اندازه زیادی برگرفته از بافت گفتاری است که در آن به نمایش درآمده‌اند. بر این پایه، آشـکار اسـت که هر گویشـور، با نگرش به «زاویه دید» خود به رویداد می‌نگرد، اگرچه بسـیاری از سـاخت‌های گذشـته پیامدهایی به همراه دارند که با هنگام گفتار پیوند دارند و گمان می‌رود هیچ رخدادی در زنجیره کلان هسـتی، بی‌پیوند با «اکنون» نباشـد. زیرا هر آنچه اکنون موجود اسـت پیامد پیشـامدهایی اسـت که در گذشـته رخ داده اسـت. در فارسـی اگر بتوانیم رخدادی را با گذشـته سـاده بیان کنیم، هسـته آن گذشته است، هرچند اگر نتوانیم این کار را انجام دهیم کانون آن حال اسـت. در این صـورت «پیوندبااکنون» گذشته نقلی در فارسـی دسـتوری‌شـده است. در نمونه ۱۲ اینگونه پیداست که تمرکز ساخت کامل بر نقطه پیش از اکنون می‌باشـد. هرچند در نمونه ۱۳ تاکید روی نبودن المیرا درهنگام گفتار می‌باشـدو پافشاری برای رخداد گذشته:

۱۲. بفرمایید ناهار بخورید. (خوردم/ خورده‌ام)

۱۳. «چه خبر از المیرا؟» «رفته ایران.»

۱٤. «شکلات بردار.» « برداشتم. (برداشته‌ام) ایناهاش!»

همانگونه که از شـماره ١٤ برمی‌آید، شـاید گوینده هنوز شـکلات را مصرف نکرده است و تـاکید بر پیوند با اکنون می‌باشـد. بر این پایه می‌توانیم الگوی زیر را در پیوند با کانون رویداد گذشته نقلی آشکار نماییم:



شکل ۵. کانون رویداد گذشته نقلی

۵-۲- ویژگی های گذشته نقلی

در این بخش به تحلیل سـاخت کامل گذشـته نقلی، با کمک چهار معیار صـوری، آوایی، معنایی و کاربردشناختی می‌پردازیم گرایش آن را به زمان و نمود بررسی می‌نماییم.

۵-۲-۱- معیارهای صوری و آوایی

در فارسـی امروزین، گذشـته نقلی با صفت مفعولی به همراه صورت‌های حال فعل کمکی «اسـتن» سـاخته می‌شـود. جنبه‌های گوناگون معنایی ساخت گذشته نقلی از بخش‌های نحوی-واژگانی آن پدید می‌آید. در واکاوی سـاخت گذشـته نقلی، معیار آوایی از آن روی اهمیت پیدا می‌کند که فارسـی زبانان ایرانی، به ویژه در گفتار، برای اول شـخص و دوم شـخص، فراوان از صـورت‌های تخفیف یافته کامل اسـتفاده می‌کنند. برای نمونه، هنگامی از کسی که تازه صبحانه خورده است خواسته می‌شود به میز صبحانه بیاید، پاسخ می‌دهد:

۱۷. من صبحانه خوردم. /mæn sobhane xord`a:m/

دو ویژگی زبرزنجیری در چگونگی ادای این جمله به چشـم می‌خورد: یکی «کشـش» و دیگری «جـایگـاه تکیـه». در حالت عادی، تکیه فعل، بر آخرین هجای نخسـتین سـازه قرار می‌گیرد. در باره نمونه بالا، تکیه روی دومین هجای نخسـتین سازه واقع شده است. چرا قاعده

جایگاه تکیه برهم خورده است؟ پاسخ این است که زبانمند با دگرگونی جایگاه تکیه این تفاوت را به شنونده انتقال می‌دهد. از سوی دیگر، هنگام تلفظ ساخت «خوردم» گونه‌ای «کشش» در هجای دوم به گوش می‌رسد. این کشش از نوع کشش جبرانی نیست بلکه نقش دستوری بر عهده دارد. این دو ویژگی آوایی در تشخیص گونه ساخت، به گوینده و شنونده یاری می‌رساند تا پیوند گفتاری به شیوه درست برقرار گردد.

۵-۲-۲- معیار معنایی

با نگرش به معیار معنایی، گذشته نقلی کمابیش بازتاب دهنده معنای سازه‌های دو بخش این ساخت به شمار می‌رود، با این رویکرد هر گونه صورت فعلی که نشان دهنده کار یا وضعیتی باشد که پیش‌تر از زمان گفتار رخ داده باشد و تأکید بر پیامد آن داشته باشد تا خود رخداد، با گذشته نقلی آشکار می‌گردد. از نقطه نظر «جایگاه زمان» تفاوتی میان ساخت گذشته نقلی و گذشته ساده وجود ندارد. هم گذشته ساده و هم گذشته نقلی، در باره رویدادی سخن می‌گویند در نقطه زمانی پیش از اکنون رخ داده است. ناهمسانی این دو ساخت در این است که گذشته نقلی بر پیوند میان دو نقطه زمانی، یعنی «زمان رخداد» و «چگونگی این حالت از رخداد پیشین» سخن می‌گوید. برای نمونه در جمله ۱۸:

۱۸. رضا باغی خریده است.

یک رویداد «خریدن باغ» و یک نشانه آن که «هنوز آن را در مالکیت دارد» دریافت می‌گردد. براین‌پایه، می‌توان دو مولفه معنایی برای ساخت گذشته نقلی در نظر گرفت: یکی معنای زمانی که بیانگر تقدم میان زمان رخداد کنش و گونه‌ای زمان ارجاع است و معنای دیگر آن است که روشن می‌سازد رخداد یا موقعیتی در پیوند با زمان ارجاع مد نظر است. برای نمونه هنگامی که جمله ۱۹ را بر زبان می‌آوریم:

۱۹. احمد این فیلم را دیده است.

به این معناست که احمد عملی را انجام داده است و آن دیدن این فیلم است که در گذشته رخ داده است. با نگرش به جمله بالا، احمد در حالتی ناشی از «دیدن فیلم» قرار دارد. آشکار ساختن معنای این ساخت و دیگر ساخت‌های کامل، با اشاره به نمود واژگانی بیشتر میسر می‌شود. این بدان معنا است که جمله بالا دارای صورت کاملی از یک فعل ایستا است. از سوی

دیگر جمله‌های دارای صورت گذشته ساده دارای ویژگی‌های نمودی فعل بنیادین هستند و بنابراین می‌توانند ایستا یا غیر ایستا مانند غایتی، تحققی و کنشی باشند.

۵-۲-۳- معیار درزمانی

از دیدگاه تاریخی، در فارسی باستان صورت صفت مفعولی گذشته، آنگونه که ابوالقاسمی (۱۳۸۹: ١٤٦) گفته است، از ریشه متعدی، غالباً از صورت ضعیف آن و پسوند ta– ساخته می‌شده است. در همین پیوند خانلری (١٣٦٩: ٢٦٤) بر این باور است که ستاک ساخت‌های گذشته فارسی میانه، از صورت صفت مفعولی برگرفته از فعل که در فارسی باستان با افزودن بخش صرفی ta- حاصل می‌شده، ساخته شده است و در فارسی میانه این شیوه تعمیم یافته است. در فارسی میانه یا پارسیک گذشته نقلی از ستاک گذشته یعنی صفت مفعولی با صیغه‌های مضارع اخباری فعل ایستادن ساخته می‌شده است مانند: «آمدایستید=آمده است». آنچه در گذشته‌نقلی کنونی به کار گرفته می‌شود تا اندازه‌ای به ساخت آن در فارسی میانه همانند است، با این تفاوت که فعل کمکی از «ایستادن» به «استن» دگرگون شده است. این ساخت نیز گرایش زمانی داشته و با زمان گذشته وابسته بوده است، مانند:

20. Ima tya mana krtam. (این کرده من است.)

۵-۳- کارکردهای گذشته نقلی

از ویژگی‌های برجسته رویکرد نقشی–رده‌شناختی، تأکید بر کارکرد مقوله‌های دستوری و نقش ارتباطی آنها در پدید آوردن پیوند میان سخن‌گویان یک زبان است. در این بخش به بارزترین کارکردهای گذشته نقلی می‌پردازیم. نگارندگان این نوشتار نخست کارکردهای گوناگون ساخت‌های کامل را بررسی نموده و آنها را با آنچه زبانشناسان در ارتباط با زبان انگلیسی بیان نموده‌اند، مقایسه کرده‌اند. بر این پایه، کارکردهای نتیجه‌ای، جهانی، تجربی و خبرداغ گذشته نقلی زبان فارسی با آنچه کامری (١٩٧٦) و کیپارسکی (۲۰۰۲) بیان نموده‌اند، همسویی دارد، هرچند سایر کارکردهای این ساخت ویژه زبان فارسی است.

۵-۳-۱- کارکرد نتیجه‌ای

از دیدگاه معیار نقشی، کارکرد نتیجه‌ای گذشته نقلی، از بارزترین آنها است. با نگرش به نمونه زیر:

۲۱. ترکیه نزدیک به ۶۰۰ نفر را به اتهام مخالفت با عملیات عفرین بازداشت کرده است. (یورونیوز، ۱۶ بهمن ۱۳۹۶)

وضعیت حاصل شده از رخداد پیشین که از نظر زمانی، جداشده از هم اکنون است، کارکرد نتیجه‌ای ساخت گذشته نقلی برشمرده می‌شود. از نمونه بالا چنین برمی‌آید که در نتیجه اقدام پلیس، مظنون هم اکنون در چنگ آنها است. هنگامی که حالت یا موقعیتی پیامد کنش انجام شده در گذشته داشته باشد، کارکرد نتیجه‌ای ساخت کامل بهتر آشکار می‌گردد. ساخت‌های کامل دارای کارکرد نتیجه‌ای، با قیدهایی مانند «هنوز» جمله‌های دستوری می‌سازند. در پیوند با کارکرد نتیجه‌ای ساخت گذشته نقلی این نکته قابل ذکر است که فعل جمله باید دارای نقطه پایان[1] باشد و تاثیر آن تا زمان گفتار برجای مانده باشد. به سخن دیگر نتیجه، از پیوند میان حالت ناشی از مفهوم درونی واژگان و نیز از بافت گفتار به دست می‌آید. بر پایه آگاهی‌های بالا، کارکرد نتیجه‌ای ساخت گذشته نقلی، با فعل‌های دستاوردی و تحققی همراه است.

۵-۳-۲- کارکرد جهانی

ساخت کامل انتقال دهنده معنایی است که فعل از یک نقطه زمانی در گذشته دربرداشته و تا اکنون دنبال شده است. این ویژگی گذشته نقلی را کارکرد جهانی آن می‌نامند. کامل جهانی تنها هنگامی رخ می‌دهد که فعل از گونه ایستا یا استمراری باشد. برای این کارکرد نمونه زیر گویا است:

۲۲. مردم همواره به ساختن قلعه‌های ماسه‌ای در کنار سواحل علاقه داشته‌اند. (پیکره بیجن‌خان)

در پیوند با نمود واژگانی، فعل‌های تداومی دارای کارکرد جهانی هستند. زیرا این دسته از فعل‌ها به روشنی پیوستگی رخداد را از گذشته تا هنگام گفتار نشان می‌دهند.

۵-۳-۳- کارکرد تجربی

برپایه این کارکرد، از ساخت گذشته نقلی برای نشان دادن رویدادهایی استفاده می‌کنیم که هر چند در گذشته رخ داده‌اند، ولی نشانه‌ای از آنها تا کنون برجای مانده است. در پیوند با نمود واژگانی، می‌توانیم برای فعل‌های لحظه‌ای-تداومی، کارکرد تجربی متصور شویم. بنا به تعریف، این دسته از فعل‌ها، دست‌کم یک بار تا پیش از هنگام گفتار رخ داده‌اند. با این همه،

1 Telicity

فعل‌های «پایا»، نیز دست‌کم یک بار تا پیش از هنگام گفتار رخ داده‌اند. در بررسی این دسته از فعل‌ها باید بپذیریم که اگرچه دست‌کم یک بار در گذشته منتهی به اکنون رخ داه‌اند ولی دوره پیوستگی آنها شاید فراتر از اکنون باشد و به آینده هم برسد. بر این پایه، فعل‌هایی را که دارای ویژگی «دگرگونی حالت» هستند، کارکرد تجربی دارند. در پیوند با کارکرد تجربی ساخت گذشته نقلی، بر خلاف کار کرد خبر داغ این ساخت، رخدادهایی که این گونه کارکرد را نشان می‌دهند دارای ویژگی «تکرارپذیری» می‌باشند، مانند:

۲۳. یک مقام ارشد آمریکایی هفته گذشته ضمن سفر به دمشق با یک مقام ارشد امنیت ملی سوریه دیدار و گفت‌وگو کرده است. (آفتاب نیوز، ۱۳ آبان ۱۳۹٦)

۵-۳-٤- کارکرد خبر داغ

کارکرد دیگر این ساخت، خبر داغ است. نگارندگان بر این باورند که این کارکرد جدا از کارکرد نتیجه‌ای در نظر گرفته شود، چون تازگی خبر، یک موقعیت و شرایط جدیدی را بیان می‌نماید که به خودی خود انگیزش ناگهانی در شنونده یا گوینده ایجاد می‌نماید. در دو نمونه زیر این کارکرد نشان داده می‌شود:

۲٤. مریم: یه خانمی تیر خورده! به دلایلی نمی‌تونیم ببریمش بیمارستان! (سریال شهرزاد، قسمت ۱٤، دقیقه ٦)

۲۵. فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد یکی از دختران پس از پرتاب در دم فوت کرده. (خبر داغ-یورونیوز)

شگفت‌انگیز بودن یک رویداد برای شنونده یا خواننده از ویژگی‌های بنیادین این کارکرد به شمار می‌رود.

۵-۳-۵- شگفت‌نمایی

کارکرد دیگر این ساخت، شگفت‌نمایی[1] با ویژگی تازه بودن خبر، پیش‌بینی‌نشده، و غیرمنتظره، شگفت‌زدگی مخاطب، لحن قوی و فرانواخت[2] و گاه همراه با تحسین و نزدیکی آن به زمان گفتار پیوند دارد. همسو با باور آیخن‌والد (۲۰۱۲)، این مقوله بی‌تردید زیرمجموعه‌ای از گواه‌نمایی به حساب نمی‌آید زیرا در بسیاری از زبان‌ها دستوری‌شده است. با این همه، از

1. Mirativity
2. Overtone

این جهت با «خبر داغ» پیوند دارد که برای مخاطب اهمیت دارد، خواه خبر تازه باشد خواه هزاران سال پیش رخ داده باشد و از جهت اینکه این رخداد به هنگام گفتار نزدیک است، با آن کارکرد همانند است. افزون بر تازه بودن، شگفت‌انگیز بودن خبر، آن را از کارکرد خبر داغ متمایز می‌سازد. برای شنونده یا خواننده از ویژگی‌های بارز آن است، برای نمونه هنگامی که گفته می‌شود:

۲۵. (انفجار پیک‌نیک در منزل یکی از آشنایان و یک گفتگوی خانوادگی): امیر در بیمارستان فوت کرده‌ها!

در کاربرد ساخت گذشته نقلی برای بیان شگفت‌نما، گوینده یا نویسنده با تغییر لحن به قصد برانگیختن احساس مخاطب، و مشاهده واکنش او معمولاً از افزوده‌ای پس از صفت مفعولی استفاده می‌کند، مانند:

۲٦. میگن اونی که خودشو تو حرم امام منفجر کرده، یه زن بوده‌ها! (گفتگوی خانوادگی)

۵-۳-٦- کارکرد گواه‌نمایی

از دیگر کارکردهای بارز ساخت گذشته نقلی، گواه‌نمایی است. گواه‌نمایی، رمزگذاری زبان برای نشان دادن منشأ خبر است بدون اینکه ناگزیر به دانستن میزان اطمینان گوینده و یا درستی و نادرستی خبر وابسته باشیم. هنگامی که گوینده یا نویسنده بخواهد مطلبی را گزارش نماید که خود آن را ندیده و آزمایش نکرده‌است، چه بسا از شخص دیگری شنیده باشد و یا از روشی دیگر آن را به دست آورده باشد، او تنها بازگوکننده تجربه دیگری است و کمابیش از یکی از ساخت‌های کامل استفاده می‌نماید. هرچند اگر خود به گونه مستقیم بیننده پیشامدی بوده باشد، برای آشکار نمودن آن ساخت گذشته به‌کار می‌برد. به این گونه اطلاع غیرمستقیم، گواه‌نمایی گفته می‌شود. برای نمونه:

۲۷. تازه فهمیدم همه رجزهایی را هم که واسه شیرین‌خانم خونده، مزخرف بوده. (سریال شهرزاد)

۲۸. اتفاق افتاده که خود راننده پشت چراغ قرمز اومده به شیشه زده گفته خفه کن اونو! (برنامه دورهمی)

۵-٤- گذشته نقلی و فراکنش زمانی

فراکنش زمانی[1] پدیده‌ای در فارسی و برخی زبان‌های دیگر است که بر پایه آن از صورت کامل یا ساخت فعلی دیگری برای بیان رویدادی که در آینده رخ می‌دهد، استفاده می‌شود. برای نمونه در دو ساخت زیر گذشته نقلی برای بیان رویدادی که قرار است در آینده رخ دهد به کار رفته است. توانگر و عموزاده (۹۷:۲۰۰٦) ادعا می‌کنند این پدیده ترتیب معمول حوزه گذشته، حال و آینده را به هم می‌ریزد و نتیجه آن فرافکنی یک حوزه به حوزه دیگر و تولید یک صورت تعدیل یافته کاربردشناختی است. جمله‌های ۱۵ و ۱٦ این پدیده را آشکار می‌سازد:

۱۵. فردا انتخابات را باخته‌اید. (آینده)

۱٦. تا اول بهمن از پایان‌نامه‌اش دفاع کرده است.

این برخلاف تعریف‌هایی که برای کاربرد ساخت گذشته نقلی در کتاب‌های دستور سنتی مبنی بر بیان رویدادی که در گذشته رخ داده و اثر آن تا کنون برجای مانده است.

۵-۵- پیوند میان گذشته نقلی و زمان حال

زبان فارسی به گونه‌ای پیوسته گزینش میان نمودهای کامل-ناقص را آشکار می‌سازد. از آنجا که گذشته نقلی یک رویداد رخ داده در گذشته را به زمان حال پیوند می‌دهد، انگیزش گواه‌آوری مبتنی بر پیامدهای کنونی را پدید می‌آورد. برخی از زبان‌شناسان مانند یس‌پرسن (۱۹۳۷) صورت گذشته نقلی را گونه‌ای زمان حال پنداشته‌اند. آیا صورت گذشته نقلی با زمان حال می‌تواند یکسان باشد؟ پاسخ این است که صورت گذشته نقلی تنها وضعیت کنونی را بازگو نمی‌نماید، چه بسا بیانگر جابجایی واسطه میان رویداد گذشته و وضعیت کنونی به شمار می‌رود. آنچه از راه یک صورت کامل بیان می‌گردد همان دیدگاه یا مطلبی است که مورد نظر گوینده است و به وسیله این صورت جابجایی پیدا می‌کند و شنونده نیز آن را از این صورت دریافت می‌نماید. این بار معنایی است که در ساخت گذشته نقلی نهفته شده است. افزون بر این، گذشته نقلی گونه‌ای گذشته با شمول هنگام گفتار (حال) تعریف می‌شود. به سخن دیگر، همسو با مک‌کورد (۱۹۷۸: ۱۰۳)، گذشته نقلی به گونه‌ای، «حال یک گذشته است، آنچنان که گذشته دور، گذشته یک گذشته است». با این همه، حال، تنها یک نقطه زمانی در «اکنون» است؛ هرچند گذشته نقلی برای آن رویدادی به کار می‌رود که گذشته برایش به کار می‌رفت.

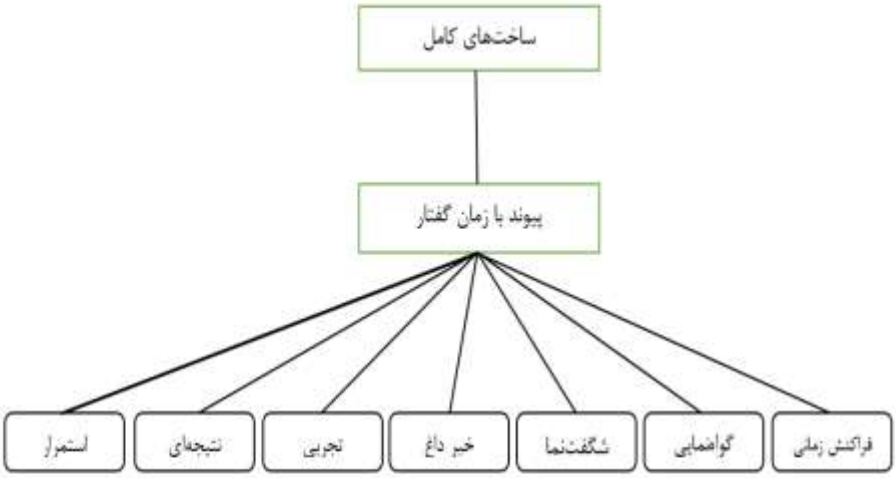
1. Tense projection

۵-۶- گذشته نقلی، زمان یا نمود؟

هم زماندستوری و هم نمود نشانه‌های زبانی دارند؛ اگرچه ناهمسانی در این است که نشانه‌های دستوری زمان وابستگی میان زمان گفتار و زمان ارجاع را آشکار می‌نماید، در همان هنگام، نشانه‌های نمودی نمایانگر وابستگی میان هنگام رخداد با زمان ارجاع است. از سوی دیگر زمان دستوری یک مقوله فعلی به شمار می‌رود، حال آنکه نمود لزوماً اینگونه نیست. وانگهی؛ در برابر زمان دستوری، نمود نمی‌تواند یک مقوله اشاره‌ای به شمار آید؛ اگرچه همانند زماندستوری به گونه‌ای با "زمان تقویمی" وابستگی دارد هرچند این وابستگی همانند نیست. بر پایه آگاهی‌های بالا، چناچه بخواهیم در باره گذشته نقلی فارسی داوری نماییم، در ساختی که آنها را زمان به حساب آوریم، بی‌گمان در گروه زمان مطلق دسته بندی نمی‌شوند، چون با معیارهای این‌گونه زمان‌ها همسان نیستند. به سخن دیگر چون نقطه ارجاع در این ساخت‌ها با زمان گفتار همپوشانی ندارند، نمی‌توانیم آنها را زمان به مفهوم فراگیر آن بنامیم، هرچند گرایش زمانی در آنها آشکار است. بر این پایه گذشته نقلی ساختی است که هم جایگاه زمانی دارد هم ویژگی‌های نمودی را آشکار می‌سازد. از یک سو زمان درونی دارد، زیرا موقعیتی را پیش از زمان ارجاع آشکار می‌نماید و پیوند آن را تا اکنون نشان می‌دهد و از سوی دیگر با پذیرفتن قیدهایی مانند «دیروز»، رفتار اشاره‌ای از خود بروز می‌دهد، که از ویژگی‌های زمان دستوری به شمار می‌رود.

در یک جمع‌بندی، آمیختگی و پیوند گذشته نقلی با گذشته ساده از یک سو و با زمان حال از سوی دیگر، چه از نظر صورت و چه از نظر به کارگیری قیدهای مشترک و نیز جایگاه تکیه در تعیین نقش این صورت‌ها بی‌گمان بخش پیچیده این ساخت به شمار می‌رود. گرایش به حذف فعل کمکی و آشکار نمودن گرایش‌های زمانی و نمودی از دیگر ویژگی‌های گذشته نقلی برآورد گردید. با این که این مقوله با زمان، نمود دستوری و نمود واژگانی پیوند دارد اما به راستی شاید دشوار باشد که بتوان با کشیدن مرز روشنی، آن را زمان یا نمود نامید، هرچند داشتن ویژگی‌های زمانی و نمودی را از داده‌های گردآوری شده می‌توان دریافت. کارکردهای تجربی، جهانی، خبر داغ، شگفت‌نما، پیوند با اکنون، نتیجه‌ای، تجربی و گواه‌نمایی از بارزترین کارکردهای گذشته نقلی به شمار می‌رود. در برابر الگویی که کیپارسکی (۲۰۰۲) برای خوانش‌های گذشته نقلی انگلیسی پیشنهاد داده است، باور ما این است که کارکردهای گذشته

نقلی را در فارسی می‌توان در یک ساختار سلسله‌مراتبی به شیوه زیر پیشنهاد نمود که کارکرد «پیوند با اکنون» در رأس و سایر کارکردها به شیوه موازی همنشین شوند:



شکل ٦. ساختار سلسله مراتبی کارکردهای گذشته نقلی

٦- گذشته نقلی استمراری

گفتار پیرامون گذشته نقلی استمراری را نخست با معیار صوری آغاز می‌نماییم و در پی آن به بررسی این ساخت از جنبه معنایی و نقشی ادامه می‌دهیم.

٦-١- معیار صوری

با معیار صوری، ساخت گذشته نقلی استمراری با پیشوند نشانه نمود ناقص (استمراری) «می» همراه با اسم مفعول فعل یعنی بخش همسان همه صورت‌های کامل، و صورتی از فعل تصریفی «استن» پدید می‌آید و جملگی چهار تکواژ را در بر می‌گیرد. برای نمونه صرف سه صورت فعل «خواندن» در این ساخت بدین شیوه انجام می‌گیرد: «می‌خوانده‌ام، می‌خوانده‌ای، می‌خوانده است،... ». هر کدام از بخش‌های چهارگانه این ساخت، گونه‌ای معنا را به خواننده یا شنونده منتقل می‌نماید که شرح آن در بخش «معیار معنایی» خواهد آمد. در اینجا یک نمونه از کاربرد این ساخت در جمله را برای آشکار نمودن صورت آن، می‌آوریم:

۲۸....ما تمام وقت می‌خواسته‌ایم دگرگونی‌هایی در جامعه پدید بیاوریم. (زیبا کلام ، ١٤ آبان ٩٥)

۶-۲- معیار معنایی

با نگرش به این معیار، نخستین بخش معنایی این ساخت همانند سایر ساخت‌های کامل، از بخش‌های پدیدآورنده آن به دست می‌آید. بر این پایه، نشانه نخست گذشته نقلی استمراری، یعنی «می» استمرار رخداد را آشکار می‌سازد، دومین بخش یعنی صفت مفعولی، نشان می‌دهد پیشامد یا رویداد در نقطه زمانی پیش از هنگام گفتار آغاز گردیده است. همین بخش پیوند رویداد با اکنون را نیز نشان می‌دهد. بخش پایانی یعنی فعل کمکی، آگاهی‌هایی درباره زمان، نمود، وجه، و شخص به دست می‌دهد که در فعل‌های تصریف ناپذیر به چشم نمی‌خورد. افزون بر این، در زبان فارسی این فعل‌های کمکی هستند که زمان گذشته و لحظه حاضر را به یکدیگر پیوند می‌دهند. این فعل‌ها پیوند دهنده رویدادی هستند که به وسیله فعل بیان می‌شود و در زمانی پیش از هنگام کنونی رخ داده‌اند.

۶-۳- کارکردهای گذشته نقلی استمراری

از دیدگاه معیار نقشی، برپایه ادعای رضایی (۱۳۹۳)، در مجموع کاربرد این ساخت، به ویژه در گفتار، در اول شخص و دوم شخص بسیار نادر است با این همه، کاربرد جمله‌هایی مانند زیر در زبان فارسی موجود است:

۲۹. من همیشه از اینکه مانندیگران باشم می‌ترسیده‌ام. (کمیجانی: ۱۹۹۰: ۲۸۳)

گذشته نقلی استمراری آنگونه که در نمونه بالا آمد، استمرار یک رویداد را آشکار می‌نماید. در پیوند با این ساخت، آنچه از دیدگاه فرشیدورد (۱۳۸۲) ارزش گفتن دارد این است که ایشان از گروه اندک دستورنویسانی به شمار می‌رود که آشکارا به جای واژه زمان برای گذشته نقلی استمراری از واژه «ساخت» استفاده می‌کند. در ادامه به اختصار برخی کارکردهای این ساخت را برمی‌شماریم:

۶-۳-۱- کارکرد جهانی

افزون بر گذشته نقلی، کارکرد جهانی کامل را با همان تعریفی که پیش‌تر آمد، با گذشته نقلی استمراری نیز می‌توان متصور شد، برای نمونه هنگامی که می‌گوییم:

۳۰. از مدت‌ها پیش او را می‌شناخته‌ام.

همسو با دال (۲۰۱۱)، وضعیت یا فرایندی که از گذشته ادامه پیدا کرده، آشکار شده و اثرش همچنین تا هنگام گفتار برجای مانده است. او از نگاه رده‌شناختی این خوانش

ساخت‌های کامل را جهانی قلمداد می‌نماید و دریافته است این واقعیت که ساخت‌های کامل زبان هندوایرانی با خوانش جهانی این مقوله سازگاری دارد و نشان می‌دهد دو مقوله زبان‌ویژه[1] یک خوانش رده‌شناختی یکسان دارند.

۶-۳-۲- پیوند با زمان گفتار

کارکرد پیوند با اکنون این ساخت شباهت این ساخت را با گذشته نقلی آشکار می‌نماید. با رخداد دارای فعل نقطه پایان این ساخت کامل، می‌تواند دارای کارکرد «پیوند با اکنون» باشد. برای نمونه:

۳۲. گفت که از کودکی گوشت نهنگ می‌خورده است و گمان نمی‌کند این کارش نادرست باشد. (پیکره بیجن‌خان)

آنگونه که از مفهوم جمله بالا برمی‌آید، فرد نامبرده هنوز هم از این کار دست نکشیده است و این ساخت گذشته نقلی است که این ویژگی را به مخاطب انتقال می‌دهد.

۶-۳-۳- کارکرد گواه‌نمایی

از بارزترین کارکردهای این ساخت گواه‌نمایی است. ویندوفور (۱۹۸۷: ۵۳۷) بر این باور است که صورت‌هایی مانند «می‌رفته» در محاوره بیانگر استنباط و گونه‌ای اطلاع دست دوم هستند. این گفته با بیان رضایی (۱۳۹۳: ۳۹) همخوانی دارد. یک نکته بنیادین در پیوند با ساخت گذشته نقلی استمراری این است گروهی از زبانشناسان گمان می‌کنند که برای اول شخص کاربرد ندارد. چرایی آن این است که هیچکس خودش را نمی‌تواند نبیند. گواه‌نمایی دیداری در پیوند با خود گوینده منطقی به نظر نمی‌رسد چون خود شخص نمی‌تواند خودش را نبیند. در ساخت‌های گذشته نقلی استمراری، رضایی (۱۳۹۳) باور دارد که این ساخت‌ها دارای گواه‌نمایی دستوری هستند و پیشنهاد خویش را بر پایه دو گواه پایه گذاری کرده است: نخست آنکه این ساخت‌ها تنها برای سوم شخص مفرد به کار می‌روند و دیگر آنکه وجود این ساخت‌ها دلبخواهی نیست چه بسا سخنگویان ناگزیر از کاربرد هستند. با این همه، نمونه‌هایی یافت می‌شود که با این گفته همسو نیست. این ساخت می‌تواند کارکرد استمرار رویداد را نیز آشکار نماید که در بخش‌های آینده بدان خواهیم پرداخت. در زبان فارسی نشانه‌های فراوانی

1. Language specific

چه در ادبیات گذشتگان و چه در گفتگوهای روزانه کنونی دیده می‌شود که کارکرد گواه‌نمایی را در ساخت گذشته نقلی استمراری نشان می‌دهد. نمونه زیر از پیکره بیجن خان برگزیده شده است:

۳۱...سلطان محمود اعتقاد مذهبی نداشته است و به بهانه درد مفاصل از نماز خواندن طفره می‌رفته. (پیکره بیجن‌خان)

در نمونه بالا، گواه‌نمایی از گونه دست دوم به چشم می‌خورد به این معنا که گوینده خود بیننده رخداد نبوده است در غیر این ساخت از ساخت گذشته نقلی استمراری استفاده نمیکرد چه بسا از گذشته ساده بهره می‌گرفت. این کاربرد به گونه غیر مستقیم در تعاریفی که زبان‌شناسان نوین ایرانی مانند حق شناس و همکاران (۱۳۸۷: ٥٤) نشان داده‌اند آمده است. نمونه دیگری از کاربرد گذشته نقلی استمراری با کارکرد گواه‌نمایی در نمونه زیر به چشم می‌خورد:

۳۲. ...وارد می‌شده، مسایل آتیه‌ای که بر ذریه او می‌گذشته است را می‌گفته است و حضرت امیر هم ثبت می‌کرده است. (پیکره بیجن‌خان)

در نمونه‌های بالا ساختارهای نمود کامل استمراری، به نظر می‌رسد در فارسی امروزین نمی‌توانند فقط به عنوان راهکار گواه‌نمایی به شمار آیند چه بسا به گونه‌ای گواه‌نمایی دستوری دگرگون شده‌اند و کارکرد انحصاری آنها آشکار نمودن آگاهی دست دوم است .گوینده با استفاده از این گونه ساخت‌ها، خود را نسبت به درستی و نادرستی آگاهی، پاسخگو نمی‌داند زیرا این گونه آگاهی را از راه حواس خود کسب نکرده است. در همین پیوند، جهانی (۲۰۰۰: ۱۹٤) پیشنهاد کرده‌است که برای آگاهی‌های دیده شده، هم ساخت گذشته ساده و هم ساخت کامل استفاده می‌شود. گویا این گفته با آگاهی‌های دردسترس در فارسی امروزین هماهنگ نباشد چون هنگامی که یک سخنگوی فارسی زبان بخواهد پیشامد دیده شده‌ای را گزارش کند از ساخت گذشته استفاده می‌کند مگر آنکه خواسته باشد آن پیشامد را به اکنون پیوند دهد و یا بخواهد دریافت خود را به دیگران برساند. افزون بر این، کاربرد فعل «داشتن» در ساخت گذشته نقلی استمراری به عنوان گواه‌نمایی نیز فراوان یافت می‌گردد، مانند:

۳۳. تو خیابون داشته راه می‌رفته که به دوست قدیمیش برخورد می‌کنه .

٦-٣-٤- کارکرد استمرار رویداد

افزون بر کارکرد گواه‌نمایی در جایگاه یکی از بنیادی‌ترین نقش‌های این ساخت در زبان فارسی، داده‌ها نشان می‌دهد این ساخت برای بیان استمرار رویداد نیز به کار گرفته می‌شود. آنگونه که از معنای نمونه زیر دریافت می‌گردد:

٣٤. سارا: که آقا زاده شما پدرش دکتراشو از برلین شرقی گرفته و مادرجون شما که مالک این ییلاق بوده و تا از پدر و مادرها رو با یه قباله کاغذی معامله می‌کرده. (بیجن خان)

این کاربرد محدود به جمله‌های ساده‌ای که از روی شم زبانی ساخته می‌شوند، نیست. در گفتارها و نوشتارهای رسمی هم می‌توانیم چنین نمونه‌هایی بیابیم. در گفتگوهای خبری، از آن روی که گوینده‌ها تا اندازه بسیار زیادی خود را محدود به گفتن یا نوشتن مطالبی که از پیش برای آنها در نظر گرفته شده نمی‌دانند و به شیوه ناگهانی آنچه را در اندیشه خود دارند بازگو می‌نمایند و یکی از معتبرترین سرچشمه‌ها برای گردآوری داده‌ها به شمار می‌رود، نیز چنین نمونه‌هایی فراوان می‌توان یافت. در نمونه زیر از ساخت گذشته نقلی استمراری برای کارکرد استمراری استفاده شده است:

٣٥. ما همواره <u>می‌خواسته‌ایم</u> که جلو این مشکلات بدون خونریزی گرفته شود. (شهین ملاوردی، معاون رئیس جمهور در امور زنان)

کاربرد بالا برای اول شخص، و نشاندهنده گرایش زمانی این ساخت و نه گواه‌نمایی است. نمونه دیگر برای این کارکرد را در زیر می‌توان دید، اگرچه استنباط کارکرد گواه‌نمایی نیز امکان‌پذیر است، مانند:

٣٦. ...گفت که از کودکی گوشت نهنگ <u>می‌خورده است</u> و گمان نمی‌کند این کارش نادرست باشد. (پیکره بیجن‌خان)

٦-٣-٥- کارکرد تجربی

بررسی نمونه‌های گردآوری شده از کاربرد این ساخت، آشکار می‌نماید که بیشتر ساخت‌های گذشته نقلی استمراری دربردارنده نشانه نقطه پایانی نیستند، به سخن دیگر، فعل‌های ایستا و یا فعل‌های تداومی در آنها به کار رفته است. برپایه کارکرد تجربی کامل، یک رویداد دست کم یک بار هنگامی، پیش از اکنون رخ داده است که به زمان حال منتهی شده است. برای نمونه:

۳۷. ...صـــبح کـه می‌آمـده روی چنار می‌نشـــســـته و می‌گفته: قار، قار،... و صـــابون را می‌برده...(پیکره بیجن‌خان)

٦-٤- گذشته نقلی استمراری، زمان یا نمود؟

برپایه معناشـناسی ارجاعی، تفسیر زمان این‌گونه است که ما آن را همچون یک پدیده ذهنی در یک زبان به‌شـمار بیاوریم آنگاه می‌توانیم بپنداریم که زمان خطی اسـت که در آن «اکنون» به گونه یک نقطه پیوسـته درحال جنبش بر روی آن نهاده شده است. بر این پایه، آنچه پس از این لحظه باشـد، «آینده» اسـت و هر چه پیش از «اکنون» است گذشته پنداشته می‌شود. در پیوند با گذشـته نقلی اسـتمراری، شـاید یکی از دشـواری‌ها در نامگذاری آن به عنوان زمان دستوری یا نمود، این باشـد که تعریف این دو مقوله آنگونه که شـاید و باید متمایز کننده نیست. شیوه‌های گوناگون نگرش به ســازه زمان درونی یک موقعیت، تعریفی که کامری (۱۹٦۷: ۳) برای نمود بیان داشـته، آشکار می‌سازد چنین رویدادی با نقطه زمانی معینی پیوند ندارد، بلکه زمان درونی همان رویداد را نشـان می‌دهد. بر این پایه، دشـوار است ویژگی‌های عینی برای آن بیان نماییم. مک‌کورد (۱۹۷۸) به این دلیل ساخت کامل را نمود می‌نامد چون به باور او هیچ مقوله دستوری دیگری نیسـت که بتوان این ساخت را با ویژگی‌های خود در آن بگنجاند. با این همه ایشان نیز به تعریفی که کامری برای سـاخت‌های کامل پیشـنهاد نموده است خرده می‌گیرد و بر این باور اسـت که چون سـاخت‌های کامل به رخداد معینی پیوند دارد که بر پیش از لحظه حاضر تمرکز دارد، حسـب رخداد با گذشـته اشـتراک دارد. او سـاخت کامل را نشـانه شـمول[1] می‌داند. نگارندگان، سـاخت برای گذشـته نقلی اسـتمراری فارسی گرایش زمانی و نمودی قائل هستند. نمونه زیر گرایش زمان این ساخت را اشکار می‌سازد:

۳۸. به راسـتی اصـل این کلمه در زبان آرامی یا عبری که حضـرت عیسـی (ع) بدان سخن می‌گفته است، چیست؟ (پیکره بیجن‌خان)

٦-٥- گذشته نقلی استمراری و کرانمندی[2]

بررســی نمونه‌های گردآوری شــده از کاربرد این ســاخت، آشــکار می‌نماید که بیشــتر ساخت‌های کامل استمراری دربردارنده نشانه نقطه پایانی نیستند، به سخن دیگر، فعل‌های ایستا

1. Marker of inclusion
2. Telicity

و یـا فعل‌های تداومی در آنها به کار رفته اسـت. در نمونه زیر، همراه بودن قید «از سـال» ضـرورت دارد زیرا چنانچه نباشـد، رویداد از گونه دارای نقطه پایانی می‌شـود، برای نمونه می‌گوییم:

۳۹. او از سال ۱۳۹۰ در اصفهان زندگی کرد/ کرده است/می‌کرده است.

براین پایه، دوره ٦ سـاله زندگی او در اصـفهان به پایان رسـیده است. سخن بنیادین در این وابسـتگی این است که همه عناصر درگیر در یک جمله به خوانش ویژه می‌انجامد. گزینش قید تا اندازه زیادی به رفتار فعل جمله‌ای که در آن به کار می‌رود وابسـته اسـت. برای نمونه فعل «کارکردن» با قید نشـان‌دهنده درازای زمان، می‌تواند سـاخت گذشـته نقلی را به همراه داشـته باشد:

٤۰. پنج سال است که در این کارگاه کار می‌کرده است. (پیکره بیجن‌خان)

افزون براین در جمله‌هایی که قید وجود نداشته باشد، کارکرد استمرار رویداد، گواه‌نمایی یا هر دو استنباط می‌گردد:

٤۱. ...وارد می‌شده، مسایل آتیه‌ای که بر ذریه او می‌گذشته است را می‌گفته است و حضرت امیر هم ثبت می‌کرده است. (پیکره بیجن‌خان)

۷- نتیجه‌گیری

در این نوشـتار با کمک معیارهای زبانشـناختی چهارگانه صـوری، معنایی، کاربردشناختی و آوایی، ویژگی‌ها و کارکردهای سـاخت‌های کامل گذشـته نقلی و گذشـته نقلی استمراری مورد بررسـی قرار داده شـد و به پیوند میان این دو سـاخت و زمان دسـتوری از یک سـو و نمود از سـوی دیگر پرداخته شـد. از جمله کارکردهایی که به طور مشـترک برای هر دو سـاخت بیان گردید، عبارتند از گواه‌نمایی، کارکرد تجربی، و استمرار رویداد. کارکردهای نتیجه‌ای، خبر داغ، فراکنش زمانی، و شگفت‌نمایی صرفاً برای گذشته نقلی تعیین گردید. در این بین، شایسته است اشاره گردد که ساخت کامل در زبان‌های انگلیسی و روسی نیز دو کارکرد نتیجه‌ای و تجربی را نشان می‌دهند، حال آنکه فراکنش زمانی ویژه گذشته نقلی در فارسی است. هم‌چنین نشان داده شـد در هر دو ساخت یاد شده، ویژگی «پیوند رویداد با زمان گفتار» وجود دارد. افزون بر این، یادآوری گردید که گذشـته نقلی گونه‌ای آمیختگی با زمان‌های حال و گذشـته دارد و همین پیچیدگی گرایش این سـاخت را علاوه بر نمود، به زمان دسـتوری نیز نمایان می‌سـازد. داده‌ها

نشان می‌دهد گرایش زمانی و نمودی برای ساخت گذشته نقلی استمراری نیز مشهود است. در ادامه نشـان دادیم کارکردهای سـاخت‌های کامل گذشـته نقلی و گذشـته نقلی اسـتمراری یک سـاختار سـلسـله‌مراتبی به وجود می‌آورند که در راس آن پیوند با اکنون و در زیرمجموعه آن، سـایر کارکردها پدیدار می‌گردند. گرایش به حذف فعل کمکی، نشـان دادن گرایش‌های زمانی نمودی از دیگر ویژگی‌هـای گذشـــته نقلی برآورد گردید. در پایان باید متذکر گردید با این که این مقوله‌ها با زمان، نمود دستوری و نمود واژگانی پیوند دارند، اما به راستی شاید دشوار باشد که بتوان با کشـیدن مرز روشنی، آنها را زمان یا نمود نامید، هر چند داشتن ویژگی‌های زمانی و نمودی را برای دو ساخت یاد شده از داده‌های گردآوری شده می‌توان دریافت.

کتابنامه

۱. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۹). *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: انتشارات سمت.

۲. احمدی گیوی، حسن (۱۳۸٤). *دستور زبان فارسی*، تهران: نشر قطره.

۳. بیجن‌خان، محمود (۱۳۸۳). پیکره متنی زبان فارسی.

٤. حق‌شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۸۷). *دستور زبان‌فارسی*، تهران: انتشارات مدرسه.

۵. خیام‌پور، عبدالرسوال (۱۳۸٤). *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات ستوده.

٦. دسـتلان، مرتضـی و محمدابراهیمی، زینب (۱۳۹۳). تحلیل زمان دسـتوری، وجه و نمود در زبان فارسی بر اساس زبان‌شناسی شناختی (پایان نامه دکتری)، دانشگاه پیام نور مرکز.

۷. رضـایتی کیشـه‌خاله، محرم و غیوری، معصـومه (۱۳۹۱). نوعی خاص از ماضی نقلی در شاهنامهٔ فردوسی. فنون ادبی، سال چهارم پیاپی (٦)، شماره ۱: ۱۲-۱.

۸. رضـایی، والی (۱۳۹۱). "نمود اسـتمراری در زبان‌فارسـی"، *مجله فنون ادبی دانشگاه اصفهان*: سال چهارم،شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۷۹-۹۲.

۹. رضـایی، والی (۱۳۹۳). " گواه‌نمایی در زبان‌فارسـی امروز" *مجله پژوهش‌های زبانی*، سال ۵شماره ۱صص ۲۱-٤۰.

۱۰.شریعت، محمدجواد (۱۳٦۷). *دستور زبان فارسی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات اساطیر.

۱۱. شفایی، احمد (۱۳٦۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات نوین.

۱۲. شـکری، گیتی. (۱۳۷۷). ماضی نقلی در گویشهای مازندران و گیلان، نامهٔ فرهنگستان، سال چهارم. ش٤ ، صص٦۹-۵۹.

۱۳. قریب، بدرالزمان (۱۳۸٤). گذشــته نقلی و بعید متعدی در سغدی و شباهت آنها با برخی از گویش های ایرانی نو. ترجمه میترا فریدی. گویش‌شناسی. ویژه‌نامۀ نامۀ فرهنگستان، ش ۲ ،ص ٥٤-٦٥.
۱٤. کلباســی، ایران. (۱۳۸۳). گذشتۀ نقلی در لهجه‌ها و گویشهای ایرانی، مجلۀ گویش‌شناسی، ویژه‌نامۀ نامۀ فرهنگستان، ش ۲، صص ۸۹-٦٦.
۱٥. مجیدی، مریم (۱۳۸۸). جلوه‌ها و کارکردهای نمود فعل در زبان فارســی، فصــل‌نامه علمی‌پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، ش ۱٥، صص ۱٤٥-۱٥۸.
۱٦. ناتل‌خانلری، پرویز (۱۳٦۹). *تاریخ زبان فارسی*، سه جلدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات نشر نو.

17. Aikhenvald Alexandra Y. (2004). *Evidentiality, Research Centre for Linguistic Typology*, La Trobe University, Oxford University Press.
18. Allen, R. (1966). *The Verb System of Present-day American English*, The Hague: Mouton.
19. Amouzadeh, M. & Tavangar, M. (2006). “Deictic projection: An inquiry into the future-oriented past tense in Persian” in *Studia Linguistica*, Vol 60, Issue 1, pages 97-120.
20. Bybee, J., Perkins, R. & Pagliuca, W. (1994). *The Evolution of Grammar: Tense, Aspect, and Modality in the Languages of the World*. Chicago IL: University of Chicago Press.
21. Comrie, B. (1976). *Aspect, An introduction to the study of verbal aspect and related problems*. Cambridge: Cambridge University Press.
22. Comrie, Bernard (1985). *Tense*. Cambridge: Cambridge University Press.
23. Croft, W. (2012). *Verbs: aspect and casual structure*, Oxford Unversity Press.
24. Dahl, E. (2011). Tense and aspect in Indo-iranian part 2: In *language and Ilnguistics:* Compass 5:5, 282-296.
25. De Hann, F. (2011). “Typology of Tense, Aspect and Modality System”, in *Song* (2011).
26. Givon, T. (2001). Syntax: An Introduction, Vol I. John Benjamins.
27. Huddlestone, R. (1984). *Introduction to the Grammar of English*, Cambridge: CUP.
28. Huddlestone, R. & Pullum, G.K. (2012). *The Cambridge Grammar of the English Language*, Cambridge: CUP.
29. Jahani, carina (2000). “Expressions of indirectivity in spoken modern Persian”. In*: Evidentials*: Turkic, Iranian and Neighbouring Languages, Mouton de Gruyter, Berlin, pp. 185-207
30. Jesperson, O. (1937). *Analytic syntax*, University of Chicago Press.
31. Komeijani Farahani, A. (1990). “A Syntactic and Semantic Study of the Tense and Aspect System of Modern Persian” *A thesis submitted in fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy*, The University of Leeds.
32. Kyparsky, P. (2002). Event structure and the perfect. In David I. Beaver, Luis D. Casillas.
33. Lyons, J. (1977). *Semantics I-II*. London, New York & Melbourne: Cambridge University Press.

34. Mahmoodi Bakhtiary, B. (2002). *Tense in Persian, Its Nature and Use*. Lincom Europa.
35. McCoard, R. W. (1978). “The English Perfect: Tense-Choice and Pragmatic Inferences”, *North-Holland Linguistic Series 38*, Amsterdam: North-Holland Publishing Company.
36. Reichenbach, H. (1647). *Elements of Symbolic Logic*. New York: Free Press; London: Collier-Macmillan.
37. Windfuhr, G.1987. Persian. In Comrie (ed.). *The world’s major languages*: (523-546). London: Routledge.